

تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
و نقش تأثیرگذار آمریکا و اسرائیل در آن
(براساس مکتب کپنهاگ و مجموعه امنیتی منطقه‌ای)

سید شمس الدین صادقی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

قدرت احمدیان

استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

علیرضا مومن صفایی*

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

چکیده

کردستان عراق، منطقه‌ای دارای اهمیت ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی است که از سال ۱۹۹۱ م به صورت دو فاکتو موفق به خودمختاری و در سال ۲۰۰۳ م در سایه تحولات جهانی و دخالت آمریکا و دیگر متحدین، موفق به تشکیل حکومتی بر مبنای فدرالیسم شد. تحولات به وجود آمده و سیاست‌های اقلیم کردستان با توجه به جغرافیای منطقه و شکل‌گیری ناسیونالیسم کردی، باعث تشدید نگرانی‌های کشورهای دارای اقلیت کرد منطقه (ایران، ترکیه، سوریه و عراق مرکزی) گردید. تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلتیک حکومت اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش تأثیرگذار دو کشور آمریکا و اسرائیل در معادلات امنیتی منطقه در چارچوب مکتب کپنهاگ و مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ملاک اصلی تحقیق بوده است. از این رو این سؤال مطرح می‌گردد که: تحولات سیاسی و ژئوپلتیک کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد با عنایت به جایگاه راهبردی و موقعیت استراتژیکی کردستان عراق در منطقه و نفوذ آمریکا و اسرائیل در آن، می‌تواند تبعات منفی و تهدیدات جدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

کلید واژه‌ها: ژئوپلتیک، کردستان عراق، فدرالیسم، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مکتب کپنهاگ.

مقدمه

کردستان عراق در منطقه ای در شمال عراق واقع شده که با سه کشور ایران، ترکیه و سوریه هم مرز است و این کشورها در مناطق مرزی خود با اقلیم کردستان دارای اقلیت کردنشین قابل توجهی هستند که به لحاظ قومی و نژادی، تأثیرپذیری زیادی از یکدیگر دارند. با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تأثیر پذیری آن‌ها از یکدیگر بی شک تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک آن، تأثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد گذاشت.

کردها همواره یکی از عوامل مهم ژئوپلیتیک در عراق محسوب شده که به عنوان یک نیروی چالش‌گر قدرت مرکزی در عراق تأثیرگذار بودند و در حال حاضر به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند که در طراحی و اجرای سیاست‌های این کشور دخالت مستقیم و مؤثر دارند. اعطای خودمختاری به کردها توسط قانون اساسی جدید عراق، نقش ژئوپلیتیک آنان را در صحنه عراق فزونی بخشیده است. حضور و حمایت مستقیم آمریکا در کردستان عراق طی دوازده سال پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تا سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ بسترهای لازم برای بازیابی قدرت توسط کردها را فراهم آورد. البته آمریکا در حمایت از کردها اهداف متعددی را تعقیب نموده که در چارچوب منافع و اهداف ملی کشورهای همسایه عراق و منطقه خاورمیانه (به‌ویژه ایران) نبوده است (ثقفی عامری، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

باتوجه به رابطه نزدیک فرهنگی - قومی کردهای ایران و عراق و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر و همچنین داشتن مرز مشترک، هرگونه تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک اقلیم، تأثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد داشت. از سوی دیگر برخی کشورهای دیگر از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا با نگاه راهبردی به موقعیت اقلیم کردستان، حضور بی سابقه ای در آنجا پیدا کرده و از تحولات و استقلال کامل آن حمایت می‌کنند، از جمله ایجاد یک متحد استراتژیک جدید در منطقه که در نهایت می‌تواند تهدیدات جدی امنیتی مانند ایجاد قلمرو استراتژیک برای اسرائیل و آمریکا در نزدیکی مرزهای ایران، مقابله با حضور و نفوذ ایران در عراق، ایجاد محیط بحران با حمایت از استقلال کردستان عراق و تجزیه عراق، برای جمهوری اسلامی ایران را در بر داشته باشد (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱).

هدف تحقیق، بررسی تأثیرات تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا دیدگاه‌ها و منافع دو بازیگر تأثیرگذار و دارای منافع خاص یعنی

آمریکا و اسرائیل و مهمترین احزاب کرد در اقلیم کردستان بررسی شده است. چارچوب نظری تحقیق بر روی اهمیت منطقه گرایی و طبق آرای مکتب کپنهاگ و نظریه زیرمجموعه امنیتی منطقه ای بیان شده است. که در آن منطقه کردستان عراق هم‌مرز با کشورهای همسایه دارای اقلیت کرد می‌باشد که آمریکا و اسرائیل به عنوان کشورهای صاحب نفوذ به نام "زیر مجموعه امنیتی کردستان" نام گذاری شده است.

این پژوهش در پی آن است که تحولات سیاسی و ژئوپلتیک کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در پاسخ به این پرسش، که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر پایه استفاده از منابع کتابخانه ای صورت گرفته، به نظر می‌رسد با عنایت به جایگاه راهبردی کردستان عراق و موقعیت استراتژیکی و ژئوپلتیکی آن در معادلات منطقه ای و حضور اسرائیل و آمریکا، تحولات سیاسی و ژئوپلتیک کردستان عراق، تبعات منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت. ابزار لازم در این تحقیق کتب، نشریات، فصلنامه ها و بولتن های تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش، سایت ها و مراکز تخصصی - تحقیقاتی می‌باشد. طبقه بندی اطلاعات و استفاده از داده های گردآوری شده نیز به فرا خور موضوع در هر قسمتی که مورد نیاز بوده به کار می‌رود.

چارچوب نظری؛ مکتب کپنهاگ

متعاقب صدور دکترین ترومن در سال ۱۹۴۷ برای مقابله با گسترش کمونیسم، نه در محدوده ای خاص بلکه در سرتاسر کره زمین و بر اساس تئوری های مه‌ار (در برگیرندگی) سد نفوذ، ناتو (در سال ۱۹۴۹) تشکیل شد. در این برهه منبع تهدید مشخص بود و شوروی کانون چالشهای امنیتی غرب محسوب می گردید. متناسب با نوع تهدید، صرفاً بر ابعاد نظامی امنیت تأکید می‌شد و دولت‌های ملی تنها مرجع امنیت بودند. با فروپاشی شوروی و تحولات ساختاری ایجاد شده در نظام بین الملل، جامعه جهانی با چالش های امنیتی جدیدی مواجه گردید که به لحاظ شکلی و ماهیتی، متفاوت تر از تهدیدات دوران جنگ سرد بودند. پیش بینی ناپذیری تهدیدات و مبهم بودن مرجع آنها همراه با گستردگی و تنوع تهدیدات در شرایط جدید منجر به باز تعریف مفهوم امنیت شد. براین اساس با توجه به تحولات نظام

بین الملل برای رویارویی با تهدیدات جدید، تفسیری موسع از امنیت ارائه گردید که نه تنها امنیت نظامی بلکه ابعادی جدید مانند امنیت اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی را نیز شامل می‌شد. در این میان مکتب کپنهاگ توانست جامع ترین نظریه تحلیلی امنیت را ارائه دهد. تأکید بر چند بعدی بودن مفهوم امنیت، راهکاری ارائه شده از سوی این مکتب در پاسخ به چالش های امنیتی نوین بود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳-۴).

مکتب کپنهاگ معتقد است منطقه‌گرایی در قیاس با دوران جنگ سرد تقویت شده است و علاوه بر آن اهمیت مجموعه‌های امنیتی نیز افزایش یافته است. باری بوزان و همکاران معتقدند: در تعریف منطقه بایستی دغدغه‌های مشترک، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و از همه مهمتر هویت مشترک و خاطرات و سرنوشت مردمان آن منطقه را مدنظر داشت. از این منظر دغدغه‌های مشترک یا هویت مشترک کردهای ایران و عراق، دین مشترک و از همه مهمتر ریشه های نژادی و ملیتی کردستان عراق با کردستان ایران و ملت ایران خود مبین درک مشترک آنها از امنیت منطقه‌ای خواهد شد. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت، به ساختار درونی منطقه و ویژگی‌های کشورهایی اشاره کرد. از نظر اندیشمندان مکتب کپنهاگ «امنیت منطقه‌ای» یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن، اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند. ثانیاً؛ از نظر تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی دارای خاطرات یا سرنوشت نسبتاً مشترکی اند و واحدهای تشکیل دهنده آن برحسب نگرانی‌ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور تأمین امنیت و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می‌دهند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده است، والتر لیپمن -نویسنده و محقق آمریکایی- است. لیپمن می گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را به پیش برد» (روشندل، ۱۳۷۴: ۴). پیترسون با استفاده از تعریف کاربردی شورای امنیت ملی آمریکا، امنیت ملی را حفاظت جامعه از لطمه خوردن نهادها و ارزش های بنیادی آن تلقی می کند. در تعریفی از اف.ان. سیمونی: امنیت ملی عبارت از آن بخش از سیاست دولت است که هدفش شرایط مساعد سیاسی ملی و بین المللی برای حفاظت یا گسترش ارزشهای حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه می باشد. باری

بوزان معتقد است: در مسأله امنیت بحث اصلی درباره رهایی از تهدیدات است و وقتی این بحث در عرصه بین الملل مطرح می شود، امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکردی خودی است (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۲). این مکتب امنیت را از جنبه های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است. باری بوزان در کتاب خود تحت عنوان: مردم، دولت‌ها و هراس، امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم کرده: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (عبداله خانی، ۱۳۸۸: ۵۰). در مکتب کپنهاگ باری بوزان امنیت را در برابر «رهایی از تهدید» تعریف می نماید و معتقد است که امنیت در نبود مسأله دیگری به نام تهدید درک می شود. از نظر بوزان، امنیت به توان دولت ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می گردد (عبداله خانی، ۱۳۸۸: ۵۰).

بوزان مجموعه امنیتی منطقه ای را به صورت یک دسته از کشورهای دارای شبکه ای از روابط امنیتی متمایز و مهم می داند که تضمین می کند اعضا دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند. یک گروه از کشورها که نگرانی های امنیتی اولیه و اصلی آنها به اندازه ای به هم پیوسته است که در واقع تصور امنیت ملی آنها جدا از یکدیگر ممکن نیست. بنابراین عنصر مرکزی و محوری در مجموعه های امنیتی، روابط امنیتی آن و مؤلفه های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می شود. بوزان همچنین این مجموعه ها را برحسب عامل جغرافیا شناسایی و تعیین می کند. مانند مجموعه های امنیتی آسیایی جنوب شرقی و... . تاکید بر این نکته که فرایندهای امنیتی منطقه ای ممکن است دارای حیاتی جدا از نظام جهانی بوده و تأثیر نظام جهانی را به صورت های متفاوتی منعکس کنند (بوزان ب، ۱۳۸۷: ۵۲) بر اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه ای باری بوزان و الی ویور است. آن ها در این نظریه با برجسته سازی مفاهیمی چون مجاورت، تاریخ مشترک، الگوهای دوستی و دشمنی و شیوه های مشابه امنیتی کردن، توانسته اند مؤلفه های فرهنگ، تاریخ و جغرافیا را در تحلیل مسائل کشورها وارد کنند و عناصر مادی و فرامادی را با یکدیگر درآمیزند و همسان با آن، تحولات درون کشوری را با فرایندهای فراکشوری و مسائل منطقه ای را با منافع ملی کشورها تلفیق کنند (بوزان ج، ۱۳۸۸: ۶۱-۵۶).

الف) ساختار آنارشیکی در نظام بین الملل و الگوهای رفتاری کشورها

مهم‌ترین عامل تعیین کننده سیاست بین‌الملل و انگیزه و منبع ارجحیت‌ها و رفتار سیاست خارجی کشورها، نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن، به ویژه ساختار آنارشیکی آن، است. بنابراین به جای جستجوی علل و عوامل طبیعی و انسانی قدرت‌طلبی باید در پی یافتن علل اجتماعی بود که به صورت سازماندهی و روابط اجتماعی تجلی و تعیین می‌گردد. والتز این سازمان اجتماعی را آنارشی بین‌المللی می‌نامد. بنابراین برخلاف واقع‌گرایان کلاسیک که بر سرشت و ذات قدرت‌طلب انسان تأکید می‌کنند، واقع‌گرایان ساختاری بر این باورند که سرشت و ذات انسان ارتباط اندکی با قدرت‌طلبی کشورها دارد. آنان در مقابل استدلال می‌کنند که ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل است که کشورها را وادار می‌کند تا در پی کسب قدرت برآیند چون یک نظام فاقد اقتدار عالی و حکومت مرکزی حاکم بر کشورها که آنان را از به کارگیری زور و تجاوز علیه دیگران باز دارد، انگیزه شدید و نیرومندی ایجاد می‌کند تا کشورها برای صیانت از خود به اندازه کافی قدرتمند شوند. ماهیت دموکراتیک یا دیکتاتوری نظام سیاسی کشورها تأثیر اندکی بر سیاست خارجی و نوع رفتار آن‌ها با سایر کشورها دارد. همچنین افراد تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی و ویژگی‌های شخصیتی و روانی آن‌ها نیز نقش و تأثیری در سیاست خارجی کشورها ندارد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل سه الگوی رفتاری را برای کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایجاد و اجتناب‌ناپذیر می‌کند. نخست، آنارشی باعث بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌شود؛ آن‌ها همواره از خطر حمله و تجاوز دیگران در ترس و هراسند. این نگرانی و احساس ترس ناشی از این واقعیت است که در جهانی که کشورها قادرند به کشور دیگر حمله و تجاوز کنند، هر کشوری حق دارد برای حفظ موجودیت خود نسبت به دیگران بی‌اعتماد باشد. در یک نظام بین‌الملل که هیچ داوری نهایی و مرجع قانونی وجود ندارد که یک کشور تهدید شده و مورد هجوم قرار گرفته برای کمک گرفتن به آن مراجعه کند، کشورها دلیل و انگیزه بیشتری برای سوءظن می‌یابند (برزگر، ۱۳۸۸: ۹۲). دوم، مهم‌ترین ارجحیت و هدف کشورها در نظام بین‌الملل آنارشیکی تأمین امنیت و تضمین بقاست. به علت فقدان حکومت مرکزی جهانی که منافع اساسی کشورها را تأمین نمی‌نماید آن‌ها ناگزیرند تا امنیت و بقای خود را به صورت خودپار تضمین کنند. در این شرایط کشورها تهدیدات بالقوه‌ای محسوب می‌شوند و هیچ اقتدار برتری وجود ندارد که کشورهای مورد تجاوز را نجات دهد؛ پس کشورها نمی‌توانند برای تأمین امنیت خود به دیگران، حتی دوستان

خود، متکی باشند. به کلام دیگر، چون نظام بین‌الملل خودیار است، هر یک از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند و اتحادها و پیمان‌های نظامی پدیده‌هایی زودگذر و متغیرند.

سوم، کشورها در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز تلاش می‌کنند تا برای تأمین امنیت خود به کسب قدرت مبادرت ورزند. کشورها انگیزه و علاقه شدیدی به کسب قدرت دارند که عمدتاً برحسب مقدرات و توانایی‌های مادی نظامی و اقتصادی تعریف می‌شود. قدرت فی‌نفسه هدف و غایت سیاست خارجی کشورها نیست بلکه ابزار مفید و مؤثری برای تأمین امنیت به هر میزان ممکن در وضعیت آنارشی بین‌المللی است (برزگر، ۱۳۸۸: ۹۸)

۱) جغرافیای سیاسی کردستان عراق

منطقه کردستان عراق با وسعت ۷۸۷۳۶ کیلومتر مربع در شمال این کشور واقع شده و شامل سه استان سلیمانیه، اربیل و صلاح‌الدین است. این منطقه در حقیقت ۲۹ درصد کل سرزمین عراق را شمال می‌شود. همسایگی با سه کشور مهم منطقه یعنی ایران (در شرق)، ترکیه (در شمال) و سوریه (در غرب) که خود از اقلیت کرد برخوردارند و مرکز ثقل مناطق کردنشین محسوب می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای به این منطقه داده است. علاوه بر این، اختلافات جدی بین دولت مرکزی عراق و منطقه کردستان درباره مرزهای استانی و حوزه مدیریت کردی وجود دارد که علیرغم گذشت بیش از ۲۱ سال از سقوط صدام همچنان لاینحل باقی مانده است، مهمترین این مناطق بخشهایی از استان نینوا، کرکوک، دیاله و موصل را شامل می‌شود و یکی از دلایل آن وجود ذخایر عظیم نفت در این مناطق است. کردستان عراق کمابیش بین دو جریان سورانی و بادینانی تقسیم شده است که دو نوع گویش کردی متفاوت دارند؛ گویش سورانی تحت نفوذ طالبانی است که قلاذه و کوه سنجاب و اربیل و سلیمانیه تا خانقین را زیر پوشش دارد (هوشمند، ۱۳۸۳: ۱۹)

کردها از اعقاب آریایی و دارای ریشه زبانی مادی یا اوستایی هستند که به وسیله آریایی‌ها چندین قرن قبل از میلاد تکلم می‌شده است. کردها در قرن هفتم پیش از میلاد در ناحیه کوهستانی که امروزه آن را کردستان بزرگ می‌نامند، مستقر گردیده‌اند. محل زندگی این قوم در طی تحولات مختلف سیاسی در طول تاریخ تجزیه شد و بدین سبب پراکندگی این قوم را در کشورهای مختلف شاهد هستیم. امروزه بخشی از ترکیب جمعیتی کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ایران، ترکیه، عراق، سوریه و لبنان را کردها تشکیل می‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۳۵). گویش بادینانی که مرکزش

زاخو است، منطقه بارزان است و تا ترکیه پیش می‌رود. هردو جریان سعی می‌کنند در مناطق یکدیگر نفوذ کنند و در تاریخ معاصر اغلب میانشان درگیری نظامی پیش آمده است. از دید تحلیل‌گران، درگیری دو جریان عمده شمال عراق بیش از آن که ناشی از ستیزه‌های ایدئولوژیک و سیاسی باشد، ناشی از تفاوت‌های قومی و عشیره‌ای دو جریان بارزانی و طالبانی است که از این رهگذر البته تفاوت‌های زبانی ساکنان مناطق تحت نفوذشان نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد (هوشمند، ۱۳۸۳: ۱۳).

اقلیم کردستان سال ۱۹۷۰ در پی پیمانی میان حکومت وقت و رهبران کرد عراق تشکیل شد. واحد پول رایج در منطقه کردستان عراق، دینار عراق است و زبان‌های کردی و عربی به عنوان زبان‌های رسمی در این منطقه به شمار می‌روند. کردستان عراق، منطقه‌ای کوهستانی نزدیک به ۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده است و شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا است که در کل حدود ۲۰ درصد وسعت عراق را شامل می‌شود. با نگاهی به نقشه کردستان، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کردستان مشخص می‌شود. علاوه بر آن دربرگیرنده ذخائر و مناطق نفت‌خیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۱). اغلب از کردستان عراق با عنوان کردستان جنوبی یاد می‌شود اما این بخش در حقیقت در سرزمین کردستان موقعیتی کم و بیش میانی و مرکزی دارد و درواقع حلقه پیوندی است بین آنچه به کردستان ترکیه یا کردستان شمالی و کردستان ایران یا کردستان خاوری معروف است و با نواحی عمدتاً کردنشین سوریه نیز هم مرز است. این بخش از کردستان سرزمینی غنی و کوهستانی که از سلسله جبال زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کوهستان‌های ترکیه کشیده شده است. بلندترین قله این منطقه حصار است که در رشته کوه هلگورد بر سر راه سوق الجیشی هامپلتون واقع در نزدیک مرز ایران مشرف است و ۳۷۲۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. منابع طبیعی نظیر نفت، سنگ آهن، کروم، مس، آلومینیوم، بوکسیت، طلا، گوگرد، فولاد، سیمان و گچ در کردستان عراق یافت می‌شود که تا به امروز از آنها به خوبی بهره‌برداری به عمل نیامده است ولی منبع عمده ثروت این منطقه بی‌گمان نفت است. طوری که حوزه‌های نفتی واقع در مناطق کردنشین تا حدود ۵۰ درصد کل تولید نفت عراق را تولید می‌کند و بیش از نیمی از منابع شناخته شده گاز عراق نیز در مناطق کردنشین قرار دارد. از مجموع استان‌های عراق، چهار استان کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دهوک به تمام و کمال در خاک کردستان عراق قرار گرفته‌اند (فرجی راد و قربانی نژاد، ۱۳۹۵: ۸).

۲) اهمیت، مشکلات و تنگناهای ژئوپلتیکی کردستان عراق

هر چند وزن بالای ژئوپلتیکی کردستان عراق به عنوان یک منبع حیاتی برای استقلال مورد توجه حکومت اقلیم کردستان و نخبگان سیاسی کرد است اما الگوهای رفتاری منبعث از سیاست، قدرت و جغرافیا که به تعبیری تعریف ژئوپلتیک است، می تواند به ایجاد موازنه قدرت با رقبای در سطح منطقه ای و جهانی در راستای تأمین امنیت و حفظ و گسترش منافع ملی بیانجامد. به طور کلی کردستان عراق به دلایل زیر از وزن ژئوپلتیک بالایی در خاورمیانه برخوردار است.

- ✓ در فضای جغرافیای خاورمیانه، کردستان در محل تلاقی چند سازه سیاسی ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان قرار دارد.
- ✓ کردستان بین چند تمدن کهن از جمله تمدن ایرانی، تورانی(ترک) و تمدن عربی (سامی) واقع شده است.
- ✓ کردستان به لحاظ ساختار طبیعی محل تلاقی سه حوزه فلات قفقاز، فلات ایران و فلات شبه جزیره عربستان است.
- ✓ کردستان، هارتلند خاورمیانه است.
- ✓ به لحاظ ژئوپلتیک انرژی اهمیت فوق العاده ای دارد(محمدی و خالدی، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱).
- ✓ به لحاظ نظامی، کوه های کردستان به عنوان عمق استراتژیک و محافظت کردها به شمار رفته اند و ناتوانی همسایگان قدرتمندشان در دسترسی به مناطق کوهستانی، آنها را قادر ساخته از خود محافظت نمایند(مبارکشاهی، ۱۳۹۴: ۸۶).

از لحاظ مشکلات و تنگناهای ژئوپلتیکی کردستان عراق می بایست شرایط بدخیم ژئوپلتیک، محدودیت‌هایی را در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر سیاستگذاری‌های رهبران آن تحمیل کرده که بر سیاست منطقه‌ای حکومت حریم کردستان تأثیری به سزا داشته است. اهم این شرایط به شرح ذیل است:

- ۱) به‌رغم دسترسی به منابع آبی فراوان، عملاً کردستان عراق منطقه محصور در خشکی است.
- ۲) این منطقه بین دو قدرت بزرگ منطقه‌ای ایران و ترکیه و گسل تمدنی پارس، ترک و عرب قرار دارد.

- ۳) استان‌های نفت‌خیز کرکوک، موصل و قسمت‌های اعظم استان دیالی در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلتیک این امر ضعف و آسیب‌پذیری امنیتی تلقی می‌شود.
- ۴) تقسیم کردستان عراق بر پایه خطوط مذهبی و قومی؛ به طوری که دو گرایش عمده قومی- لهجه‌ای سوران و بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکمن‌های شیعه، سنی و اقلیت‌های آشوری و نسطوری گسل‌های عمیق ژئواتنیکال را در منطقه به وجود آورده است (زیباکلام، عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۶۲).

موقعیت بسته جغرافیای کردستان عراق، بزرگ‌ترین چالش پایدار ژئوپلتیک آن است. پیش‌نیاز هرگونه مبادله با جهان خارج، جلب همکاری کشورهای پیرامونی به ویژه ایران و ترکیه است. بسیاری از نیازمندی‌های کردستان عراق هم اکنون از گذرگاه‌های مرزی این دو کشور برآورده می‌شود. بروز هرگونه چالش در مناسبات گردها و آمریکا با این دو دولت نشان داده که آن دو از موقعیت فرادستی خود جهت تحمیل خواسته‌هایشان تردیدی به خود راه نمی‌دهند. مسأله کردستان گرچه سابقه‌ای دیرینه دارد ولی پس از فروپاشی نظام دوقطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ به صورت پدیده ژئوپلتیک فعال در منطقه و جهان ظاهر شد و نوعی حکومت خودگردان کرد را در شمال عراق شکل داد. کردستان عراق به دلیل شرایط ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب‌پذیر، عدم ثبات سیاسی و همسایگی آن با کشورهایی که اقلیت‌های کرد را در خود جای داده و روابطی نه چندان دوستانه که با آن‌ها در قرن بیستم داشته‌اند به حوزه‌ی استراتژیک برای کشورهای همسایه و سایر دول منتفع از رصد مسائل فوق تبدیل شده است. کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه حوزه فرهنگی و تمدنی فارس، عرب و ترک قرار دارد. بعد از اشغال عراق و تحت فشار این سه حوزه و عدم اطمینان در قبال سیاست‌های آمریکا، ناچار متأثر از گونه‌ای تعبد ژئوپلتیک به سوی اسرائیل کشیده شده است (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۶۰).

۳) احزاب و جنبش‌های فعال و مهم سیاسی در کردستان عراق

به دنبال قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت ملل متحد در اواسط آوریل ۱۹۹۱ نیروهای ائتلاف ایجاد منطقه امن را در درون عراق اعلام و هواپیماهای عراق را از پرواز بر شمال مدار ۳۶ درجه منع کردند. در نتیجه استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک تحت کنترل احزاب سیاسی کرد قرار گرفتند. احزاب سیاسی تصمیم به برگزاری انتخابات در سال ۱۹۹۲ شدند و سپس برای اولین بار حکومت اقلیم کردستان

و پارلمان کردستان تشکیل دادند که تا سال ۲۰۰۳ به صورت دوفاکتو توانست خود را اداره کند. جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳ که منجر به سقوط رژیم بعث و صدام حسین و تحول سیاسی جدیدی در عراق شد، موقعیت سیاسی کردها را نه تنها در کردستان بلکه در سطح بین‌المللی رونق داد. احزاب سیاسی کردستان به خصوص دو حزب قدرتمند کردستان (حزب اتحاد میهنی و حزب دموکرات کردستان) توانستند نقش مؤثری در تشکیل دولت عراق و نوشتن قانون اساسی عراق جدید داشته باشند و همچنین توانستند پست ریاست جمهوری عراق و وزارت خارجه را به دست بگیرند و بر فرآیندهای سیاسی و نظام سیاسی جدید عراق تأثیر بگذارند (جلالی پور، ۱۳۹۶: ۵۲). در حال حاضر احزاب مهم سیاسی که در کردستان عراق نقش بارزی دارند سه حزب اتحادیه میهنی، حزب دموکرات و حزب تغییر بوده که به اختصار به شرح زیر به آنها می‌پردازیم.

۳-۱) اتحادیه میهنی (به کیتی نیشتمانیی کوردستان): اتحادیه میهنی کردستان حزبی است که در سال ۱۹۷۵ توسط جلال طالبانی تشکیل شده است. این حزب یکی از احزاب کلیدی در مبارزه با رژیم بعث بوده و در سالهای مبارزه با رژیم بعث با احزاب شیعی عراق ارتباطی تنگاتنگ داشته است و با توجه به نفوذی که داشته بعد از ساقط شدن رژیم بعث در عراق، اتحادیه میهنی، همیشه یکی از احزاب دارای وزن سیاسی در عراق و منطقه بوده است؛ به طوری که پست ریاست جمهوری در عراق همیشه از اعضای این حزب بوده است. اتحادیه میهنی کردستان بر مناطق سلیمانیه و قسمت‌هایی از کرکوک و خانقین نفوذ دارد. این مناطق از نظر فرهنگی و زبانی به کردهای ایران شباهت بیشتری دارند و همین فصل مشترک ساختاری با ایران و ارتباط نزدیک با احزاب شیعی در عراق موجب شده که این حزب از لحاظ سیاسی و اقتصادی و امنیتی بیشترین گرایش را به سمت ایران و سیاستهای ایران در منطقه داشته باشد. کمک‌های متقابل ایران و حزب اتحادیه میهنی کردستان در طول هشت سال دفاع مقدس گویای این اصل است (یزدان پناه درو و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۱).

۳-۲) حزب دموکرات کردستان عراق (پارتی): حزب دموکرات کردستان عراق در سال ۱۹۴۶ در بغداد تشکیل شد و مصطفی بارزانی که از سالها قبل دست به قیام زده بود و در این زمان در مه‌آباد بود، به رهبری این حزب برگزیده شد. بعد از فرو ریختن جمهوری مه‌آباد و رفتن بارزانی به شوروی این حزب مشغول سازماندهی مخفی در عراق شد و بعد از بازگشت بارزانی به عراق بعد از

کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ این حزب در عراق به رسمیت شناخته شد و به دفاع از حقوق کردهای عراقی پرداخت تا توانست در سال ۱۹۷۰ خود مختاری را از حکومت وقت عراق بگیرد. در سال ۱۹۷۵ در پی قرارداد الجزایر بین شاه ایران و صدام این حزب و بارزانی مجبور شدند به ایران عقب نشینی کنند. در سال ۱۹۷۹ ملا مصطفی بارزانی وفات کرد. بعد از او مسعود بارزانی در یک انتخابات در کنگره حزب به رهبری این حزب انتخاب گردید و حزب دموکرات کردستان عراق به مبارزاتش علیه حکومت دیکتاتور عراق ادامه داد تا توانست در سال ۱۹۹۱م در پی یک قیام مردمی و حمله منظم حزب به پایگاههای حکومت عراق، خاک کردستان عراق را آزاد کند و یک حکومت کردی در این منطقه برپا سازد. روزنامه رسمی حزب دموکرات کردستان عراق در کردستان عراق خبات نامیده میشود. از لحاظ امنیتی حزب دمکرات کردستان عراق هماهنگی های کامل با نیروهای ترکیه جهت مقابله با شورشیان کرد ترکیه دارد و به طور مکرر مناطقی از قندیل توسط ترکیه بمباران می شود اما هیچ وقت اعتراضی از طرف حزب دمکرات کردستان عراق نسبت به رفتار ترکیه نشده است (زیباکلام و عبدالله، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۸).

۳-۳) جنبش تغییر (گوران): جنبش تغییر یا جنبش گوران (بزووتنه وه ی گوران) یک حزب سیاسی در کردستان عراق است. این جریان در سال ۲۰۰۶ با انشعاب نوشیروان مصطفی از بنیانگذاران و رهبران اتحادیه میهنی کردستان در اعتراض به آن چه که فساد اصلاح ناپذیر در این حزب خوانده می شد، پدید آمد. این حزب خود را مدافع آزادی و دمکراسی و مخالف فساد و قبیله گرایی معرفی می کند. پس از مرگ نوشیروان مصطفی در ۱۹ مه ۲۰۱۷ عمر سید علی به رهبری این حزب انتخاب شد.

۳-۴) احزاب و جنبش های مهم رادیکال اسلامی (جهادی) در کردستان عراق: از دیگر احزاب کوچکتر که در کردستان عراق فعالیت دارند، می توان از گروه اسلامی کردستان، اتحاد اسلامی کردستان، حزب کمونیست کردستان عراق و ائتلاف دموکراتیک میهنی کردستان نام برد. اغلب جریان های سیاسی اسلام گرا در کردستان عراق از جنبش اخوان المسلمین مصر تأثیر پذیرفته و بسیاری از رهبران اسلام گرای کرد عراقی با این جنبش در ارتباط بوده اند. در حال حاضر سه جریان اصلی به نام «جنبش اسلامی کردستان عراق»، «جماعت اسلامی کردستان عراق»، و «اتحاد اسلامی کردستان عراق» به فعالیت های خود ادامه می دهند (پناهی، ۱۳۸۷: ۸). گروه های

اسلامگرای کردی با بهره‌گیری از تعدد قومی و مذهبی در کردستان و فقدان مکانیسم حزبی مناسب از جانب احزاب ملی‌گرای کرد توانستند در عرصه سیاسی و اجتماعی کردستان عراق ایفای نقش کنند و نه تنها احزاب کردی همچون حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان را به چالش کشیدند بلکه حتی باعث ایجاد نا امنی، رعب و وحشت در کردستان شدند (زنگنه و کریمی، ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵).

۴) دغدغه‌های امنیتی، سیاسی و فرهنگی کردستان عراق

دغدغه‌های امنیتی و تهدیدهای نرم سیاسی اقلیم کردستان را در چند دسته می‌توان مطرح کرد: نخست، تقویت هویت کردی است؛ در طول دهه‌های گذشته و از ابتدای قرن بیستم در همه نواحی کردنشین منطقه، جریان‌های هویت‌گرای کردی فعال بوده اما در چند سال اخیر حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیان‌های ناسیونالیسم قومی است که در آن هویت کردی به عنوان اصیل‌ترین و مهمترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می‌کند. به طوری که توانسته تمایلهای قوم‌گرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود تحت تأثیر قرار دهد. این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده است که لازمه قوام آن، گسترش هر چه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که این تفکر موجب مباحثات هر کردی است و به نظر می‌رسد یکی از عوامل تقویت این مسأله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵ م است که به نماد ملی کردها مبدل شده است که این پرچم و نمادهای مشابه در مراسم گوناگون به نمایش گذاشته می‌شود (بوژمهرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

پس از تصویب فدرالیسم در عراق، در مناطق مختلف کردنشین منطقه از جمله نواحی کردنشین ایران تشکیل حکومتی بر پایه فدرالیسم همانند آنچه در عراق اتفاق افتاد، از سوی معارضان مطرح شد. از این رو به نظر می‌رسد دومین مسأله در تهدیدهای سیاسی مبتنی بر رواج و گسترش اندیشه حکومت داری بر پایه فدرالیسم باشد (قهرمانپور، ۱۳۸۴: ۳۳).

ارتقای سطح خواسته‌های قومیتی در سطوح مختلف جامعه کرد در ایران و داشتن اختیارها و حق مشارکت فعال سیاسی و نظایر آنها را باید از جمله درخواستهای اکراد دانست که به طور عمومی تحت تأثیر تحولات اقلیم کردستان روند فزونی داشته است اما تهدید هویتی و قومیتی کردها با توجه به

جریان خودمختاری کردستان عراق جدید، تأثیری بیشتر برای به چالش کشیدن امنیت ملی ایران داشته است (بوژمهرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۶).

۵) تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت منطقه و جمهوری اسلامی

ایران (در چارچوب مکتب کپنهاگ)

باتشکیل منطقه خودمختار کردستان در شمال عراق، اکنون موضوع قوم کرد در منطقه خاورمیانه یکی از مسائل اصلی در سیاست خارجی کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای با اقلیت کرده و جایگاه خاصی در روابط متقابل و منطقه ای کشورهای منطقه و حتی فرامنطقه ای پیدا کرده است، تشکیل دولت منطقه ای کردستان عراق بر روابط کشورهای منطقه سایه افکنده است. اکنون کردهای سوریه، ایران و ترکیه نیز متأثر از تحولات شمال عراق با رویکرد نوینی به دنبال دستیابی به خواسته های خود هستند. بدیهی است با توجه به وضعیت خاص جمهوری اسلامی ایران در همجواری با منطقه کردستان عراق، در صورت بی توجهی به اهمیت این موضوع، تهدیدات امنیتی و سیاسی از این ناحیه متوجه کشورمان و دیگر کشورهای کردنشین منطقه خواهد شد.

بوزان مجموعه امنیتی منطقه ای را به صورت یک دسته از کشورهای با شبکه ای از روابط امنیتی متمایز و مهم که اعضا دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند، توصیف می کند. یک گروه از کشورها که نگرانی های امنیتی اولیه و اصلی آنها به اندازه ای بهم پیوسته است که در واقع تصور امنیت ملی آنها جدا از یکدیگر ممکن نیست. بنابراین عنصر مرکزی و محوری در مجموعه های امنیتی، روابط امنیتی آن و مؤلفه های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می شود. مجموعه امنیتی ایران، ترکیه و دولت مرکزی عراق و تاحدودی سوریه را می توان از این منظر یک مجموعه امنیتی دانست که به دلیل داشتن اقلیت کرد، دارای تهدید مشترک و منطقه جغرافیایی واحد می باشند. نگرانی های جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای این مجموعه امنیتی از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارتند از:

۱) نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و افزایش

سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران و به تبع آن دیگر کردهای منطقه شامل: ترکیه و سوریه

۲) وجود پایگاه نظامی و مقر و دفاتر سیاسی و احزاب اپوزیسیون مسلح کرد در کوهستانهای

قندیل در تهدیدهای دائمی کشورهای ایران، ترکیه و دولت مرکزی عراق

۳) حضور و نفوذ قدرتهای رقیب و یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان؛ از جمله اسرائیل و آمریکا که برای کشورهای منطقه تهدید بزرگی می‌باشند.

ایران ضمن تأکید بر راهبرد حفظ تمامیت و یکپارچگی عراق، به طور آشکار و پنهان فعالیت گسترده ای برای کسب تعهد طرف های مختلف عراقی از جمله کردها به حفظ این مسأله داشته است؛ اصرار برخی گروه‌های کرد در اقلیم کردستان عراق بر برگزاری همه‌پرسی استقلال به یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در سطح منطقه و حتی فرامنطقه تبدیل شده بود. طی سال های اخیر راهبرد اصلی ایران در قبال عراق دارای مؤلفه هایی بوده است که یکی از مهمترین آن ها تأکید و تلاش برای «حفظ تمامیت ارضی» و مخالفت با تجزیه این کشور بوده است؛ به نحوی که آن را خط قرمز خود اعلام داشته است.

اعلام همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ توسط مسعود بارزانی، علاوه بر مقامات کشورمان که با تجزیه عراق به شدت مخالفت کرده اند، خشم ریاست جمهوری ترکیه (اردوغان) را نیز برانگیخت و از طرح منطقه اقلیم کردستان عراق برای همه پرسی استقلال به شدت انتقاد نمود. همواره یکی از اصول سیاست خارجی ایران، عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر بوده است اما از طرف دیگر برخی از موضوعات داخلی کشورهای همسایه با توجه به پیوستگی آن با مناطق دیگر نمی‌تواند صرفاً به‌عنوان یک مسأله داخلی تفسیر شود. مسأله کردها نمونه‌ای از مسائل داخلی با تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی است. به همین دلیل نگاه ایران به این مسأله، تابعی از شرایط امنیتی و نظم منطقه‌ای است.

تحریم اقتصادی و بستن مرزها با همراهی ترکیه، دولت مرکزی عراق و سوریه (مجموعه امنیتی منطقه‌ای مذکور) به عنوان یک اهرم فشار مد نظر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ هر چند با توجه به حجم نسبتاً بالای تجاری میان دو طرف، قطع مناسبات تجاری و اقتصادی کار ساده ای نیست. ازسوی دیگر مشکلات حاد اقتصادی اقلیم، مهمترین ابزار دولت مرکزی در اعمال فشار اقتصادی علیه اقلیم، سهمیه ۱۷ یا ۲۰ درصدی بودجه سالیانه اقلیم است چون از این ابزار در مقاطعی استفاده شده و تأثیرگذار بوده است و در مسأله همه پرسی نیز می تواند کارآیی داشته باشد.

دولت حیدر العبادی نیز به وضوح اعلام کرده که در هیچ صورتی نتایج رفتارندوم را نپذیرفته و در صورت لزوم از اهرم نظامی استفاده خواهد کرد. در این مرحله جمهوری اسلامی با همکاری جبهه مخالفان؛ همانند مجموعه امنیتی منطقه ای طبق نظریه کپنهاگ (دولت مرکزی عراق، ترکیه و نیز

دولت مرکزی عراق و سوریه) با اتکا به ابزارهای موجود به ویژه در بعد سیاسی و دیپلماسی همچنان قادر به ممانعت یا حداقل تأخیر در تحقق استقلال کردها می باشد (شهیدی، ۱۳۹۶، الکوثر). این حرکت مشترک کشورهای مذکور که دارای نقطه اشتراک در داشتن اقلیت کرد و تهدید از سوی کردستان عراق به تجزیه طلبی و احیای کردستان بزرگ در گام بعدی بوده، حاصلی جز ناامنی منطقه ندارد لذا براساس یافته های مجموعه امنیتی بوزان و مکتب کپنهاگ که شرایط پنج گانه وابستگی متقابل امنیتی، الگوی دوستی و دشمنی، وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند (همانند ایران و ترکیه)، استقلال نسبی و مجاورت را شامل می شود عینیت پیدا نموده و بر همان اساس مجموعه امنیتی منطقه ای مذکور که اشاره شد، توانستند از ادامه روند همه پرسی کردستان عراق جلوگیری و تهدید را در نطفه خفه کنند. تحولات چند سال اخیر کشور عراق به ویژه تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان در شمال آن کشور به دلیل مجاورت با نواحی کردنشین ایران و وجود پیوندهای متقابل قومی و فرهنگی بین کردهای دو کشور برای ایران حائز اهمیت بوده است. افزایش توجه به فرهنگ و هویت کردی، تبدیل شدن کردستان عراق به عنوان محور و کانون مباحث کردی، ارتقای سطح مطالبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله نمودهای این تأثیرات به شمار می روند. از سوی دیگر تهدیدهای ناشی از حضور سیاسی و نظامی اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان و مصمم بودن رهبران کرد اقلیم در برپایی مجدد فرماند استقلال و تبدیل کردستان به کشوری واحد، این منطقه را به کانون بحران منطقه ای و جهان تبدیل نموده است. تحریک کردهای منطقه و عنوان شعارهای تجزیه طلبانه و قوم گرایانه در سطح منطقه و طرح برپایی کردستان بزرگ شامل تمامی کردهای مستقر در ایران، ترکیه، سوریه و ... که از تلویزیون، مطبوعات و دیگر رسانه های کردستان پخش می گردد، تهدیدهای جدی علیه جمهوری اسلامی ایران و ثبات منطقه محسوب شده که امنیتی شدن رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دنبال دارد. ذیلأ به اختصار به پاره ای از تهدیدات امنیتی و سیاسی که از ناشی از تحولات کردستان عراق بوده می پردازیم.

- حضور اسرائیل و آمریکا در کردستان عراق به عنوان تهدید بزرگ امنیتی علیه ایران و

منطقه: نفوذ اسرائیل در کردستان عراق در واقع تداوم استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و تسلط بر این منطقه است. این مسأله در پرتو تحولات نوین در کردستان عراق (مقاطع زمانی پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱م و خلع قدرت ایجاد شده پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ م، زمینه مناسبی برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق فراهم آورده است. با استفاده از بستر و فرصت ایجاد شده، اسرائیل روابط پنهان و گسترده ای را با کردها آغاز کرده و با

حضور مستقیم و یا غیر مستقیم، در قالب فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، علمی و تاریخی در اقلیم کردستان به دنبال منافع و اهداف راهبردی چندی از جمله: ایجاد متحد استراتژیک جدید در منطقه و اهداف توسعه طلبانه خود است و این حضور به یک چالش امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در زمان حال و آینده تبدیل می شود.

باتوجه به تضاد ماهیتی و وجودی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، طبیعتاً همه اقدامات اسرائیل در اقلیم کردستان ذاتاً در تعارض با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرند که برخی از آنها مستقیماً در تعارض با امنیت ملی ج. ا. هستند و بعضی دیگر به واسطه عناصر غیرمستقیم، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد چالش قرار می دهند و تهدیداتی را برای ایران مطرح می سازد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۶). روابط اسرائیل و کردها علاوه بر جنبه های آرمان گرایانه و تبلیغاتی مانند احساس مشترک حبس و آوارگی، حق تعیین سرنوشت، ضدیت با اعراب، بهبود اوضاع کردهای یهودی یا اشتراکات ژنتیکی و نژادی کردها و یهودیان و لزوم به دست آوردن حقوق از دست رفته تاریخی آنان و ... منافع استراتژیک بسیاری را برای دوطرف به همراه دارد. حضور پنهان و آشکار اسرائیل و سرویس های اطلاعاتی آن در کردستان عراق، به ویژه پس از فروپاشی رژیم بعث عراق، نشان دهنده برنامه های بلندمدت رژیم صهیونیستی در شمال عراق است. حتی اگر این حضور غیررسمی یا موقت باشد، تهدیدی جدی ضد کشورها و ثبات منطقه محسوب می شود اگرچه مسئولان اقلیم کردستان عراق وجود چنین روابطی را همواره انکار می کنند. گرچه نبود این مستندات، نافی حضور و نفوذ اسرائیل در این منطقه و هم مرز با سه دولت پرچالش برای اسرائیل یعنی ایران، سوریه و عراق نیست (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

اسرائیل در کنار ایالات متحده آمریکا پیوسته جنگ نیابتی در داخل کردستان ایران را از طریق حمایت از پژاک و سایر سرمایه های کردی که بالقوه چنین امکانی دارند، به راه می اندازد. براساس اظهارات مقامات صهیونیستی، گزینه های مطلوب اسرائیل در عراق به ترتیب شامل حکومت وابسته و هم سو با غرب، تقسیم عراق و تشکیل دولت کردی و دست کم نظام فدرالی است که اختیاراتی ویژه را برای خودمختاری کردها تأمین کند. بدین منظور با نگاهی به اقدامات رژیم صهیونیستی در عراق، به خصوص در شمال این کشور، می توان به خوبی این مطلب را دریافت که صهیونیسم قصد دارد با الگوسازی جدید سیاسی در عراق، علاوه بر پیگیری منافع و اهداف خود در این کشور، نقشه سیاسی خاورمیانه را تغییر دهد تا فضای سیاسی و فرهنگی خاورمیانه برای تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی صهیونیسم

بین الملل فراهم شود (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۹۳). اسرائیل برای تثبیت موقعیت و حضور خود در شمال عراق، به بهانه پیشینه حضور یهودیان در شمال عراق، و باز گرداندن ۹۰ هزار یهودی کرد ساکن اسرائیل به سرزمین اصلیشان (عراق)، اقدام به خرید املاک و زمین در این منطقه نموده است. رژیم اسرائیل زمین های واقع در مناطق تحت سیطره بارزانی را خریداری می کند و پس از آموزش نظری و عملی این خانواده ها در اسرائیل، آنها را مجدداً به شمال عراق باز می گرداند (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

قاعده های کلی حاکم بر استراتژی رژیم صهیونیستی در برابر کردستان عراق عبارت بوده اند از:

- ۱) سلب فرصت و محدودسازی حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در شمال عراق؛
- ۲) حمایت از اپوزیسیون ایرانی در شمال عراق و مشغول سازی ایران در داخل و مجاورت مرزهایش؛
- ۳) توسعه فعالیت جاسوسی در شمال عراق و کشورهای همجوار؛
- ۴) تضعیف دولت مرکزی، تجزیه عراق و تشیکل دولت مستقل کردی
- ۵) تضعیف و مقابله با افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به ویژه لبنان.

حضور اسرائیل در شمال عراق و نزدیک شدن به مرزهای ایران برای رژیم صهیونیستی بسیار حایز اهمیت است. با رفت و آمد عوامل اسرائیل در کردستان عراق، پایگاه های جاسوسی اسرائیل در مجاورت مرزهای ایران برپا خواهد شد. به ویژه آنکه منطقه کردستان عراق و ایران شرایط لازم را برای اجیر کردن عوامل محلی دارند. ایجاد پایگاه های شنود نزدیک مرزهای ایران، تمامی مراکز مخابراتی ایران را تا محدوده ای وسیع در دسترس عوامل جاسوسی اسرائیل قرار خواهد داد تا یک جبهه امنیتی و اطلاعاتی در غرب ایران ایجاد کند. در واقع حضور اسرائیل در عراق به عنوان تهدیدی جدی و چرخشی مهم در موازنه ژئوپلیتیکی ایران می باشد که امنیتی شدن سیاست خارجی ایران را در پی خواهد داشت (لازریف، م.سی، ۱۳۸۱: ۵۶).

یکی از راهبردهای نومحافظه کاران، تقویت احزاب اپوزیسیون کرد ایرانی از سوی اسرائیل و آمریکا از جمله گروهک معارض پژاک، کومله و دموکرات کردستان ایران می باشد. ترویج لیبرال دموکراسی در منطقه، تأمین ثبات اسرائیل و کنترل دشمنانش، روی کار آوردن حکومت های سکولار در منطقه، تلاش برای صدور نفت کردستان به اسرائیل، تقویت حکومت منطقه ای کردستان به عنوان ابزاری برای کنترل کشورهای همجوار از جمله ایران، ترکیه و سوریه، تلاش برای کاهش نفوذ ایران در کردستان عراق، تحریک احزاب اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان برای اقدام علیه ایران، ایجاد پایگاه های نظامی دائمی در کردستان عراق و... که باعث شده کردستان عراق تبدیل به مسأله ای حساس و استراتژیک در سیاست خارجی ایالات متحده باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۵).

-استمرار طرح تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان و پیامدهای امنیتی حاصل از آن:

برگزاری فراندوم مجدد در کردستان عراق مساوی با وقوع درگیری‌های دوچندان میان جریان‌های کرد از یکسو و دامنه دار شدن کسب حمایت سیاسی هر یک از این جریان‌ها از سوی قدرت‌های خارجی از سوی دیگر خواهد شد. تبعات این تصمیم باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از تشدید درگیری میان جریان‌های کرد، جلوگیری از بازیابی مجدد داعش در سایه این اتفاقات و جلوگیری از تله گذاری اسرائیل برای سران اقلیم کردستان با برگزاری این فراندوم مخالفت به عمل آورد و با اتخاذ رویکردی امنیتی به این موضوع مانع درخواست و اجرای مجدد فراندوم در چنین اوضاع سیاسی منطقه باشد. اگرچه جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان حفظ حقوق مردمان کرد بوده است اما هویت کردی را جدای از ملت عراق نمی‌داند و در این راه همان گونه که در عدم سقوط بغداد توسط داعش فداکاری می‌کند، در عدم سقوط اربیل نیز جانبداری می‌کند.

در صورت انجام فراندوم و حتی پیش از هر گام بعدی، موج تقابل دولت مرکزی و گروه‌های قومی مخالف تجزیه عراق با حاکمیت اقلیم بالا خواهد گرفت. این تقابل به سرعت و به ترتیب، محیط‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نهایتاً امنیتی را طی خواهد کرد. تصاعد بحران امنیتی به احتمال زیاد به سرعت به حیطه نظامی کشیده خواهد شد. پیش بینی می‌شود که جنگ، صفحات شمال شرق کشور عراق را مجدداً فرا گیرد. این جنگ در همان محدوده باقی نخواهد ماند و به تمامی مناطق عراق سرایت خواهد کرد. تداوم بی ثباتی موجب بیداری موج خفته قدرت طلبی حزب بعث و جریانات قدرت طلب چپ و ناسیونالیست عرب خواهد شد. همچنین افراطیون منتسب به اهل سنت مورد حمایت سعودی، موقعیت را برای سهم خواهی مناسب خواهند دید. حکومت مرکزی و شیعیان نیز موقعیت تاریخی خود را در مقام مرکزیت عراق در خطر خواهند یافت لذا از هر امکانی برای بازیافت و تثبیت جایگاه خود و حفاظت از دولت فدرال عراق بهره خواهند گرفت (انتظار، ۱۳۹۰: ۴۶).

همین امر فشارهای امنیتی را به موازات محیط داخلی عراق در سطح منطقه افزایش خواهد داد. همچنین رقابتها برای تسلط بر منابع انرژی و مسیرهای ترانزیتی افزایش خواهد یافت. در واقع تجزیه طلبی بارزانی مکمل روند تروریسم داعشی در ناامن سازی و بلبشوی امنیتی منطقه است. این آناارشیسم شرط ضروری و مقدمه ایجاد خاورمیانه جدید و توسعه نفوذ اسرائیل است. وقوع تمامی این تهدیدات و جنگهای احتمالی، پیامد تجزیه طلبی بارزانی و دیگر رهبران کردستان عراق بوده که اصرار فراوان در

اجرای مجدد همه پرسی و استقلال کردستان عراق در این وفقه از زمان حساس دارند. لذا جهت پیشگیری و مدیریت موضوع نیاز به برخورداری از دیپلماسی سیاسی و رویکرد امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد.

- تحریک های روحی، روانی و ترویج قوم گرایی در کردهای ایران و پیامد های حاصل از آن:
در طول دهه‌های گذشته و از ابتدای قرن بیستم در همه نواحی کردنشین منطقه، جریان‌های هویت-گرای کردی فعال بوده، کمابیش بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند؛ اما در چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به‌عنوان یک حکومت با بنیان‌های ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می‌کند، زمینه اعتلای بیش از پیش این مقوله مهم را فراهم کرده‌است؛ به‌طوری‌که توانسته تمایل‌های قوم‌گرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود تحت تأثیر قرارداد؛ این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده‌است که لازمه قوام آن، گسترش هرچه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که به‌نظر می‌رسد.

یکی از عوامل تقویت این مسأله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که قبلاً پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م بوده است و رهبر آن (قاضی محمد) و دیگر همدستانش پس از دستگیری به جرم تجزیه طلبی و عاملیت بیگانه (روسیه) در مهاباد به دار آویخته شد که اکنون به نماد ملی کردهای کردستان مبدل گشته و همه ساله با برپایی جشنواره نکوداشتی با عنوان «پیشوا قاضی محمد» در همایش‌ها و جشنواره‌ها از او یاد شده و طی آن از جمهوری کردستان و قاضی با عنوان دو ستاره درخشان ملت یاد می‌شود (انتظار، ۱۳۹۰: ۵۶).

- وعده تشکیل کردستان بزرگ و ترویج اندیشه فدرالیسم کردی از سوی مقامات اقلیم کردستان: پس از تصویب فدرالیسم در عراق، در مناطق کردنشین منطقه از جمله نواحی کردنشین ایران تشکیل حکومتی برپایه فدرالیسم همانند آن چه در عراق اتفاق افتاد از سوی معارضان مطرح شد؛ از این رو به‌نظر می‌رسد که یکی دیگر از مسائل تهدیدهای نرم سیاسی مبتنی بر رواج و گسترش اندیشه حکومت‌داری برپایه فدرالیسم باشد که موفقیت‌های کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل در مسأله کردها، حمایت آمریکا، اروپا و سیستم بین‌المللی از آنان موجب

شده است که فدرالیسم به عنوان یک الگوی حکومتی از سوی برخی اکراد معارض مطرح شود که همین مسأله موجب ترویج این تفکر در کشورهایی مانند ترکیه، سوریه و ایران شده است (قهرمانپور، ۱۳۸۴: ۳۳).

در عراق اعتقاد واقعی به فدرالیسم به معنای امروزی و اختیارات وسیعی که قانون اساسی در اختیار قومیت‌ها در این کشور گذاشته است از یک سو و تمرکز نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، (آمریکایی، انگلیسی و اسرائیلی) از دهه ۱۹۹۰ تا امروز، به ویژه استقرار در مناطق شمال عراق، از سوی دیگر موجب می‌شود تا ایده فدرالیسم بتواند اندیشه جدایی طلبانه در فضای قومیت‌های ایران را تقویت کند. ساخت اقلیم کردی در شمال عراق و توسعه آن با کمک خارجی در کنار اساسنامه‌های کردی مبنی بر تشکیل کردستان بزرگ به عنوان یک الگو، به تدریج می‌تواند بر ذهن سایر کردهایی که پیوسته با عراق مرتبط هستند، تأثیر بگذارد لذا ترویج ایده فدرالیسم از سوی کردستان عراق تنها با هدف گسترش ناامنی و شورش در مناطق کردنشین ایران بوده و پیامی جز تجزیه طلبی و احیای کردستان بزرگ با حاکمیت بارزانی‌ها ندارد. نتیجه این اقدامات جز تهدیدات امنیتی و به آشوب کشیدن منطقه نیست لذا جمهوری اسلامی در کنار فراهم آوردن امکانات لازم زندگی و رسیدگی به امور کردهای ایران در امور خارجی می‌بایست با رویکرد امنیتی به این موضوع بپردازد.

نتیجه گیری

منطقه خاورمیانه به دلیل تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و نژادی و دولت-ملت‌سازی ناقص و ساختگی در تاریخ، همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در این میان در شرایط کنونی، تحولات کردستان، متغیر مهمی برای تحولات آینده خاورمیانه محسوب می‌شود؛ چرا که هرگونه تغییر در وضعیت کردها در این کشور به صورت مستقیم بر کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر تحولات کردستان سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به مسأله کردها شده و در این میان روابط پنهانی و استراتژیک اسرائیل و کردها بر اهمیت این مسأله افزوده است. این روابط که بر پایه منافع مشترک حیاتی دوجانبه کردها و اسرائیل برقرار شده و توسعه یافته است، پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای دولت‌های منطقه-به‌ویژه ایران- به دنبال دارد. بر این اساس استراتژی و رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال کردستان باید بر پایه ملاحظات امنیتی،

منافع و تهدیدات آن در کردستان شکل گیرد. مهم‌ترین منافع و تهدیدات استراتژیک ایران در کردستان عراق عبارتند از:

۱. حفظ تمامیت ارضی عراق و عدم استقلال سیاسی و اقتصادی کردهای آن؛
 ۲. مقابله با نفوذ اسرائیل و آمریکا در منطقه و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن؛
 ۳. جلوگیری از تقویت جریان‌های پان‌کردی و به‌ویژه گروه‌های مسلح کردی مانند پژاک؛
 ۴. تأکید بر اصالت ایرانی کردهای منطقه و نژاد مشترک ایرانی-کردی.
- از سوی دیگر همانطور که اشاره شد با وجود درد مشترک منطقه در پراکندگی اقوام کرد در منطقه و تحریک‌های به وجود آمده از سوی رهبران قوم مدار کردستان عراق و دیگر رژیم‌های مداخله‌گر همانند اسرائیل و آمریکا، علاوه بر رویکرد امنیتی، سیاست خارجی ایران می‌بایست همانند وضعیتی که در همه پرس‌های کردستان پیش آمد، مجموعه امنیتی منطقه ای طبق الگوی مکتب کپنهاگ را مدنظر داشته باشد و این الگو را در موارد دیگر لحاظ نماید. طبق نتایج و تحقیقات حاصل از این پژوهش، پیامدهای امنیتی و تهدیدات حاصل از تحولات ژئوپلیتیک کردستان عراق، امنیت ملی جمهوری اسلامی را نشانه رفته است که می‌بایست در روابط مابین ایران و کردستان عراق، بحث امنیت را در رویکرد سیاست خارجی لحاظ نمود که در سایه این رویکرد امنیتی است که می‌توان دیپلماسی منطقه را فعال نمود.

کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوروژ و سرزمینهای آریایی است. سرزمین‌هایی که به باور بیشتر تئوریسینهای منطقه‌گرایی جدید، منطقه ای است که ایران خواه و ناخواه در مقایسه با دیگر مناطق، دارای نقش محوری تری در آن است و ایران مجبور است در راستای تقویت این منطقه جدید (از تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان گرفته تا قفقاز، عراق، سوریه و ترکیه) گام بردارد؛ چرا که علاوه بر قرابتها و شباهتهای گسترده اش از نظر هویتی و تاریخی و فرهنگی با آن در آینده نیز منافع سیاسی - اقتصادی و امنیتی ایران با این منطقه عجین بوده و دارای قرابت است. ایران می‌تواند با توجه به ژنتیک مردم کرد آنها را از خود دانسته و پای اسرائیل را که با تئوریهای ساختگی مبنی بر این که: نژاد کرد یهودی بوده اند، کوتاه کند. ایالات متحده آمریکا که هدف اصلی سیاست خارجی اش در منطقه تا به امروز مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران و منزوی ساختن و کاهش نقش منطقه ای ایران بوده است، پس از ایجاد اقلیم کردستان عراق تلاش و اهداف خود را در این منطقه معطوف به کاهش نفوذ ایران در

این اقلیم و گستراندن پایگاه های نظامی خود و تقویت نیروهای پیشمرگه کرد برای حفاظت از اسرائیل و مقابله با نیروهای نظامی ایران خواهد کرد.

با توجه به این مسائل پیشنهاد می گردد جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی و امکان استفاده از فرصت های موجود، سیاست های زیر را در اولویت سیاست خارجی خود لحاظ کند:

- گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی با دولت محلی کردستان عراق و لزوم بستن پیمان های دفاعی با رویکرد امنیتی و نظامی در راستای کاهش تهدیدهای امنیتی و سیاسی موجود از سوی گروه های رادیکال و جلوگیری از نفوذ اسرائیل
- گسترش روابط امنیتی و سیاسی با ترکیه و سوریه و دولت مرکزی و تشکیل مجموعه امنیتی منطقه ای برای رویارویی با تهدیدات و مقابله با نفوذ اسرائیل در منطقه بویژه در کردستان عراق. ایجاد فضای مناسب و به وجود آوردن مناطق آزاد اقتصادی کردنشینان جهت مراودات سیاسی و اقتصادی مابین کردهای منطقه با کشورهای همسایه کرد.
- تأکید بر هویت ایرانی کردها و پیشینه تاریخی آنان در خاورمیانه می تواند علاوه بر خنثی سازی تلاش اسرائیل برای همسان سازی نژاد کرد و یهود، وحدت نژادی و قومیتی در کردهای منطقه به وجود خواهد آورد.
- شناسایی و آشکارسازی اهداف اسرائیل در منطقه به ویژه در کردستان که با پوشش اقتصادی و نظامی صورت می گیرد، در راستای ممانعت از برقراری روابط اسرائیل و کردها محدود شود.
- با توجه به تیرگی روابط کردها با دولت های ترکیه و سوریه و مناسبات نزدیک ایران و کردهای عراق و دولت مرکزی این کشور و جمهوری اسلامی ایران باید از فرصت موجود برای گسترش فعالیت های اقتصادی در کردستان عراق استفاده شود.
- تأکید بر همکاری کردها و شیعیان در کنار سنی ها در ساختار سیاسی عراق و مقابله با مداخلات قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در امور داخلی این کشور.

اسرائیل با حضور در کردستان عراق و تقویت احزاب اپوزیسیون ایران به عنوان اهرم فشاری علیه جمهوری اسلامی ایران، در نهایت دارای تأثیراتی حداقلی و ضعیف بر امنیت ملی ایران بوده است. با توجه به ارتباطات فرهنگی و نفوذ غیرقابل انکار ایران در عراق و تجانس بالای فرهنگی کردها با ایران، این اهرم نتوانسته است به طور جدی امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. به طور یقین با تقویت اقتصادی مناطق کردنشین ایران، مشارکت دادن آن ها در قدرت سیاسی و توجه به خواست های فرهنگی

مردم منطقه، تأثیرات امنیتی نامطلوب حضور ایالات متحده در کردستان عراق بر امنیت ملی ایران کنترل خواهد شد. کردها برخلاف گذشته که بیشتر به عنوان یک نیروی چالشگر قدرت مرکزی در عراق معروف بودند، اکنون خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند. ائتلاف و همکاری کردها با هر یک از دو گروه شیعیان یا سنی‌ها به منظور کسب سهم بیشتر - چه در مجلس ملی و چه در حکومت مرکزی عراق - می‌تواند نقش بسیار مهمی در میزان نفوذ دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در عراق داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف. منابع فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه (۱۳۹۰). «کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیک در تحول راهبرد ترکیه نسبت به کردهای عراق و سوریه». فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۱۶۸-۱۴۱.
- اخوان کاظمی، مسعود؛ و رستمی، فرزاد رستمی و شاهملکی، حامد (۱۳۹۶) «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۸، شماره ۴ زمستان.
- انتظار، نادر (۱۳۹۰). سیاست کردها در خاورمیانه، ترجمه عرفان قانعی فرد، تهران: نشر علم.
- اسمیت، استیو و جانلیس (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- بوژمهرانی، حسن و پوراسلامی، مهدی (۱۳۹۳). «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان.
- بزرگر، کیهان (۱۳۸۹). سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- پناهی، جعفر (۱۳۸۷). «گزارش جریان‌های اسلامی در شمال عراق»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، بهار و تابستان.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵). «عراق جدید: تغییرات ژئوپلیتیکی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار.
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۷) کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). «تحلیل تطبیقی، الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم»، فصلنامه علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۲۱۶.
- حسینی، حسن (۱۳۸۳). طرح خاورمیانه بزرگتر، القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

چوخاچی زاده، محمد باقر و علی نژاد و امینی (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک قومی - مذهبی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه انجمن جغرافیای ایران**، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۲۷۰-۲۴۷.

جلایی پور، حمیدرضا و حسن، بارزان (۱۳۹۶). «نقش احزاب در توسعه سیاسی - مطالعه موردی اقلیم کردستان عراق»، **ماهنامه آفاق علوم انسانی**، شماره ۹ دی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: چاپ سوم، انتشارات سمت.

داداندیش، پروین و کوزه‌گرچی، ولی (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی نظام مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، تهران، **فصلنامه راهبردی**، سال نوزدهم، شماره ۵۶.

زیباکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی‌های عراق به اسرائیل»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۷۵-۵۹.

شهیدی، فرزانه (۱۳۹۶). **واکنش‌های احتمالی ایران به استقلال کردستان عراق**، تهران: الکوثر صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵). **مدیریت منازعات قومی در ایران**، جلد اول، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

عزتی، عزت‌الله و نامی، محمد حسن (۱۳۹۲). «**تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی**». تهران: ناشر دانا پناه.

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹) «**نظریه‌های امنیت**» تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر عبدالله خانی، علی (۱۳۸۸). «**طرح ریزی الگوی کلان امنیت ملی**»، **فصلنامه مدیریت بحران**، سال اول، شماره ۳ و ۴.

زنگنه، صباح و کریمی، حسن (۱۳۹۶). «**پیشینه گروه‌های جهادی در اقلیم کردستان عراق**»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۳۱، شماره ۲، تابستان.

فرجی راد، عبدالرضا؛ هاشمی، مصطفی و سرور، رحیم (۱۳۹۵). «**بررسی عوامل موثر ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی**»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۲۸.

لازریف، م.سی (۱۳۸۱). **کردستان و علل ایجاد آن**، ترجمه بهزاد خوشحالی، سنج: نشر میدیا.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: سمت، چاپ دوم.

محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین (۱۳۹۱). **ژئوپلیتیک کردستان عراق**، تهران: نشر انتخاب.

مک داول، دیوید (۱۳۸۳-۱۹۴۵). **تاریخ معاصر کرد**، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانیند، چاپ دالاهو

تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش ۳۳۱

ماندل، رابرت (۱۳۷۷). **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.
هوشمند، احسان (۱۳۸۳). «کرد یا کردها مدخلی جامعه شناختی بر کردشناسی»، **نشریه گفتگو**، شماره
۴۰، ص ۱۹، پاییز.
یزدان پناه درو، کیومرث و دیگران (۱۳۹۶). «**تحلیلی بر ژئوپلتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فرو پاشی
داعش**»، **فصلنامه جغرافیا**، سال ۱۵، ش ۵۳، تابستان.

ب. منابع انگلیسی

Buzan, Barry, Waever, Ole, Jaap De Wilde (1998). *Security: "A New Framework for Analysis"*,
Lynne Rienner Publishers
Buzan, Barry (1991). *People, State and Fear: An Agenda for International Security Studies in the
Post-Cold War Era*, London

